

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد مرودشت
دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی

پایان نامه برای دریافت درجه کاشناسی ارشد در رشته روانشناسی
گرایش: تربیتی

عنوان:

**مقایسه فرایند و محتوای خانواده، ویژگی‌های شخصیتی و عزت نفس نوجوانان
بزهکار و عادی**

استاد راهنما:

دکتر سیده مریم حسینی

استاد مشاور:

دکتر حجت الله جاویدی

نگارنده:

شهرام مناجاتی

تایستان

۱۳۹۳



معاونت پژوهش و فن آوری
به نام خدا
منشور اخلاق پژوهش

با یاری از خداوند سبحان و اعتقاد به این که عالم محضر خداست و همواره ناظر بر اعمال انسان و به منظور پاس داشت مقام بلند دانش و پژوهش و نظر به اهمیت جایگاه دانشگاه در اعتلای فرهنگ و تمدن بشری، ما دانشجویان و اعضاء هیئت علمی واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی متعهد می گردیم اصول زیر را در انجام فعالیت های پژوهشی مد نظر قرار داده و از آن تخطی نکنیم:

- ۱- اصل حقیقت جویی: تلاش در راستای پی جویی حقیقت و وفاداری به آن و دوری از هرگونه پنهان سازی حقیقت.
- ۲- اصل رعایت حقوق: التزام به رعایت کامل حقوق پژوهشگران و پژوهیدگان (انسن، حیوان و نبات) و سایر صاحبان حق.
- ۳- اصل مالکیت مادی و معنوی: تعهد به رعایت کامل حقوق مادی و معنوی دانشگاه و کلیه همکاران پژوهش.
- ۴- اصل منافع ملی: تعهد به رعایت مصالح ملی و در نظر داشتن پیشبرد و توسعه کشور در کلیه مراحل پژوهش.
- ۵- اصل رعایت انصاف و امانت: تعهد به اجتناب از هرگونه جانب داری غیر علمی و حفاظت از اموال، تجهیزات و منابع در اختیار.
- ۶- اصل رازداری: تعهد به صیانت از اسرار و اطلاعات محرمانه افراد، سازمان ها و کشور و کلیه افراد و نهادهای مرتبط با تحقیق.
- ۷- اصل احترام: تعهد به رعایت حریم ها و حرمت ها در انجام تحقیقات و رعایت جانب نقد و خودداری از هرگونه حرمت شکنی.
- ۸- اصل ترویج: تعهد به رواج دانش و اشاعه نتایج تحقیقات و انتقال آن به همکاران علمی و دانشجویان به غیر از مواردی که منع قانونی دارد.
- ۹- اصل برائت: التزام به برائت جویی از هرگونه رفتار غیرحرفه ای و اعلام موضع نسبت به کسانی که حوزه علم و پژوهش را به شائبه های غیرعلمی می آلاینند.



معاونت پژوهش و فن آوری
به نام خدا
تعهد اصالت رساله یا پایان نامه تحصیلی

اینجانب شهرام مناجاتی دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد در رشته روان‌شناسی تربیتی که در تاریخ .../.../۱۳۹۳ از پایان نامه خود تحت عنوان "مقایسه فرایند و محتوای خانواده، ویژگی‌های شخصیتی و عزت‌نفس نوجوانان بزهکار و عادی" با کسب نمره ... دفاع نموده‌ام بدینوسیله متعهد می‌شوم:

۱) این پایان نامه حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و ...) استفاده نموده‌ام، مطابق ضوابط و رویه موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آنرا در فهرست مربوطه ذکر و درج کرده‌ام.

۲) این پایان نامه قبلاً برای هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است.

۳) چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هرگونه بهره‌برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و ... از پایان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.

۴) چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را می‌پذیرم و دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی:

تاریخ و امضاء



صور تجلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد (M.A)

نام و نام خانوادگی دانشجو: شهرام مناجاتی

رشته: روان شناسی

گرایش: تربیتی

از پایان نامه خود با عنوان: مقایسه فرایند و محتوای خانواده، ویژگی‌های شخصیتی و عزت نفس نوجوانان بزهکار و عادی با نمره ۱۸ دفاع نموده است.

امضاء اعضای هیات داوری	سمت	نام و نام خانوادگی اعضای هیات داوری
	استاد راهنما	۱- دکتر سیده مریم حسینی
	استاد مشاور	۲- دکتر حجت الله جاویدی
	استاد داور	۳- دکتر نادره سهرابی شگفتی

مدیر معاونت پژوهش

مراتب فوق مورد تایید است.

مهر و امضاء

تقدیم به:

همسرم که سایه مهربانیش سایه سار زندگیم
و به فرزندم شایان که تمام امید زندگیم می باشد.

تقدیر و تشکر

سرکار خانم دکتر حسینی و جناب آقای دکتر جاوید اساتید راهنما و مشاورم: شما روشنایی بخش تاریکی جان هستید و ظلمت اندیشه را نور می بخشید. چگونه سپاس گویم مهربانی و لطف شما را که سرشار از عشق و یقین است. چگونه سپاس گویم تأثیر علم آموزی شما را که چراغ روشن هدایت را بر کلبه ی محقر وجودم فروزان ساخته است. آری در مقابل این همه عظمت و شکوه شما مرا نه توان سپاس است و نه کلام وصف. راز و رمز پویای علم و کشف معانی بدیع و تجلی جلوه های شهودی معرفت کیمیایی است که آسمان علم به برکت سیما و سیره ی نورانی نبی مکرم صلی الله علیه و آله و سلم، انسان دربند خاک را به معراج حضور می خواند. و چه خرم علمی که از چشمه ی معارف سیراب شود و چه زیبا دانشی که قبای پرنیانش به عطر و بوی گلستان محمدی معطر شود و چه معماری باشکوهی، بنایی که سنگ هویت و فرهنگ آن ریشه درمدینه النبی بیابد. و امروز کاخ آباد علم به سروش معنوی و مفهوم پیام او بیش از پیش محتاج راهنمایی است که علاوه بر حفظ آبادانی آن در راه اعتلای آن به فرزندان خویش محبت نمایند.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف مقایسه فرایند و محتوای خانواده، ویژگی‌های شخصیت و عزت نفس در نوجوانان پسر بزهکار و عادی شهر شیراز انجام شد. جامعه آماری این پژوهش کلیه نوجوانان پسر بزهکار مستقر در کانون اصلاح و تربیت بود که از این جامعه نمونه‌ای به تعداد ۵۰ نفر به صورت تصادفی ساده انتخاب گردید. به علاوه تعداد ۵۰ نفر نوجوان غیر بزهکار برای مقایسه با نوجوانان بزهکار از نواحی چهارگانه آموزش و پرورش شهر شیراز به صورت تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب شدند. برای سنجش متغیرهای پژوهش از آزمون‌های فرایند و محتوای خانواده سامانی، ویژگی‌های شخصیتی نئو و عزت نفس کوپر اسمیت استفاده شد. به منظور مقایسه دو گروه نمونه از تحلیل واریانس چند متغیری (مانوا) استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد که بین دو گروه از نظر هر پنج خرده مقیاس فرایند خانواده (تصمیم‌گیری و حل مسأله، مهارت مقابله، انسجام و احترام متقابل، مهارت ارتباطی و باورهای مذهبی)، از هفت خرده مقیاس محتوای خانواده، از نظر سه خرده مقیاس (شغل و تحصیلات، زمانی برای با هم بودن و منابع مالی)، از پنج خرده مقیاس ویژگی‌های شخصیتی از نظر سه خرده مقیاس (روان رنجوری، برون‌گرایی و باوجدان بودن) و از نظر هر چهار زیرمقیاس عزت نفس (عمومی، خانوادگی، اجتماعی و آموزشی) تفاوت معنی‌دار وجود دارد.

کلید واژه‌ها: فرایند خانواده، محتوای خانواده، ویژگی‌های شخصیتی، عزت نفس

فهرست مطالب

عنوان.....	صفحه.....
فصل اول: کلیات تحقیق.....	۱.....
مقدمه.....	۲.....
بیان مساله.....	۴.....
اهمیت و ضرورت پژوهش.....	۸.....
اهداف پژوهش.....	۱۰.....
فرضیه های پژوهش.....	۱۰.....
تعاریف نظری و عملیاتی متغیر ها.....	۱۰.....
فصل دوم: ادبیات و پیشینه ی پژوهش.....	۱۲.....
مبانی نظری.....	۱۳.....
مدل فرایند و محتوای خانواده.....	۱۳.....
ویژگی های شخصیت.....	۱۷.....
عزت نفس.....	۳۲.....
بزهکاری.....	۴۸.....
پیشینه پژوهش.....	۵۷.....
پیشینه خارجی.....	۵۷.....
پیشینه داخلی.....	۶۱.....
جمع بندی.....	۶۳.....
فصل سوم: روش شناسی پژوهش.....	۶۴.....
روش پژوهش.....	۶۵.....
جامعه آماری.....	۶۵.....
نمونه مورد مطالعه، حجم نمونه، روش نمونه گیری و ویژگی های دموگرافیک نمونه.....	۶۵.....
ابزار تحقیق.....	۶۵.....
روش اجرای پژوهش.....	۷۱.....
روش تجزیه و تحلیل آماری داده ها.....	۷۱.....
ملاحظات اخلاقی.....	۷۱.....
فصل چهارم: یافته های پژوهش.....	۷۲.....

۷۳	داده های توصیفی
۷۴	یافته های استنباطی
۷۸	فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری
۷۹	خلاصه پژوهش
۸۰	بحث و نتیجه گیری
۸۷	دستاوردهای پژوهش
۸۷	محدودیت های پژوهش
۸۷	در اختیار محقق
۸۷	خارج از کنترل محقق
۸۷	پیشنهاد های پژوهش
۸۷	پیشنهاد های پژوهشی
۸۸	پیشنهاد های کاربردی
۸۹	منابع فارسی
۹۳	منابع خارجی
۹۷	پیوست الف)
۹۹	پیوست ب)
۱۰۱	پیوست ج)
۱۰۴	پیوست د)
۱۰۶	چکیده انگلیسی
۱۰۷	عنوان انگلیسی

فهرست جداول

- جدول ۴-۱- میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای مورد مطالعه..... ۷۳
- جدول ۴-۲- نتایج تحلیل واریانس چندمتغیری (مانوا) روی نمرات مؤلفه‌های فرایند خانواده نوجوانان بزهکار و عادی..... ۷۴
- جدول ۴-۳- نتایج اثرات بین آزمودنی‌ها روی نمرات مؤلفه‌های فرایند نوجوانان بزهکار و عادی..... ۷۴
- جدول ۴-۴- نتایج تحلیل واریانس چندمتغیری (مانوا) روی نمرات مؤلفه‌های محتوای خانواده افراد بزهکار و عادی..... ۷۵
- جدول ۴-۵- نتایج اثرات بین آزمودنی‌ها روی نمرات مؤلفه‌های محتوای خانواده افراد بزهکار و عادی..... ۷۵
- جدول ۴-۶- نتایج تحلیل واریانس چندمتغیری (مانوا) روی نمرات ویژگی‌های شخصیتی افراد بزهکار و عادی..... ۷۶
- جدول ۴-۷- نتایج اثرات بین آزمودنی‌ها روی نمرات ویژگی‌های شخصیتی افراد بزهکار و عادی..... ۷۶
- جدول ۴-۸- نتایج تحلیل واریانس چندمتغیری (مانوا) روی نمرات مؤلفه‌های عزت‌نفس در افراد بزهکار و عادی..... ۷۷
- جدول ۴-۹- نتایج تحلیل واریانس چندمتغیری (مانوا) روی نمرات مؤلفه‌های عزت‌نفس افراد بزهکار و عادی..... ۷۷

فصل یک

کلیات پژوهش

کجروی و تخطی از هنجارها همواره در طول تاریخ بشر وجود داشته است. شکستن نظم اجتماعی و انحراف از هنجارها در جوامع کوچک و ابتدایی به ندرت اتفاق می‌افتد و اقوام و قبایل برحسب سنت‌ها و عرف جامعه از هنجارهای اجتماعی تبعیت می‌کردند. اما در جوامع امروز با توجه به تنوع اجتماعی و جغرافیایی شدید، انسجام فرهنگی کم است و توافق اخلاقی به ندرت مشاهده می‌شود. گزارش رسانه‌های جمعی و پژوهش‌های علمی نشان می‌دهد که شکستن نظم اجتماعی و انحراف از هنجارهای جامعه در شهرها به ویژه شهرهای بزرگ با وجود پیشرفت تکنولوژی و صنعت نه تنها کاهش نیافته است، بلکه افزایش هم یافته است. نوجوانان و جوانان از جمله افرادی هستند که همواره در معرض چنین انحرافات اجتماعی‌اند.

دوران نوجوانی یکی از بحرانی‌ترین دوران زندگی هر فرد به شمار می‌آید. ورود به این مرحله نوجوان را با مشکلات فراوانی دست به گریبان می‌سازد. حال اگر عوامل موثر بر شخصیت شکل یافته به گونه‌ای باشد که هویت‌یابی او را یاری دهد مسایل حاد بروز نخواهد کرد. اما اگر این عوامل بحران را تشدید نماید نوجوان مستعد و آسیب‌پذیر به سوی ناهنجاری و یا بزهکاری رانده خواهد شد. بزهکاری نوجوانان پدیده اجتماعی و جهانی است. اگرچه جوامع گوناگون برحسب وضعیت اقتصادی و اجتماعی خود با انواع متفاوتی از آن روبرو هستند. در همه جوامع انسانی اصطلاح بزهکار در مورد افرادی به کار برده می‌شود که اعمالی خلاف قانون یا موازین مذهبی آن جامعه انجام می‌دهند. با توجه به اینکه این احکام در جوامع گوناگون متفاوت است فرد متخلف در یک جامعه ممکن است در جامعه‌ای دیگر از تخلف بری باشد (پیکا^۱، ترجمه نجفی، ۱۳۷۰).

بزهکاری کودکان و نوجوانان به عنوان یک اختلال رفتاری و اجتماعی از دیر زمان در جوامع مختلف مورد توجه صاحب نظران علوم اجتماعی، روان‌شناسی و متخصصین تعلیم و تربیت بوده است و جامعه‌شناسان این پدیده را به عنوان یک مساله اجتماعی که نظم جامعه را تهدید می‌کند، پذیرفته‌اند. این مساله همواره در پژوهش‌های روان‌شناسی و جامعه‌شناسی مطرح بوده و شناخت علل ارتکاب آن مورد توجه بوده است. ناهنجاری‌هایی از قبیل استعمال دخانیات، ضرب و جرح، پرخاشگری، اعتیاد، خرید و فروش مواد مخدر، تخریب ابزار و وسایل مدرسه، سرقت و قتل که از آفت نظام آموزشی و اجتماعی محسوب می‌-

شوند، به عنوان اعمال بزهکارانه شناخته شده‌اند. در تعریف بزهکاری بلومر^۱ (۱۹۸۰) معتقد است که هر عملی که انسان آگاهانه و بنا بر اختیار و اراده انجام می‌دهد و با قوانین اجتماعی یک سازمان اجتماعی مخالفت داشته‌باشد، جرم تلقی می‌شود. حال اگر جرم در محدوده سنی کودکی تا نوجوانی رخ دهد، بزهکاری نامیده می‌شود (به نقل از تنهایی، ۱۳۷۴). تحقیقات وسیعی برای پی بردن به علل و انگیزه‌های تخلف نوجوانان از قوانین و هنجارهای نظام اجتماعی انجام شده‌است. که یکی از عوامل مهم خانواده است. در بین تمامی نهادها، سازمان‌ها و مؤسسات اجتماعی، خانواده مهم‌ترین، ارزشمندترین و اثربخش‌ترین نقش‌ها را داراست. خانواده طبیعی‌ترین واحد تولید مثل و فراگیرترین واحد اجتماعی به شمار می‌آید؛ زیرا همه اعضای جامعه را دربر می‌گیرد. خانواده دارای اهمیت تربیتی و اجتماعی است. افراد از سوی خانواده گام به عرصه هستی می‌نهند و جامعه نیز از تشکل افراد، هستی و قوام می‌یابد و از آن رو که نهاد خانواده مولد نیروی انسانی و معبر سایر نهادهای اجتماعی است از ارکان عمده و نهادهای اصلی هر جامعه به شمار می‌رود (نوابی نژاد، ۱۳۸۱).

خانواده کانون اصلی حفظ هنجارها، سنت‌ها و ارزش‌های اجتماعی، و نیز شالوده استوار پیوندهای اجتماعی و روابط خویشاوندی، و کانونی در جهت بروز و ظهور عواطف انسانی و مکانی برای پرورش اجتماعی کودک است. خانواده نظامی است که عملکرد آن از طریق الگوهای مرادده‌ای صورت می‌گیرد. مراددت یا میان‌کنش‌های تکراری، الگوهایی را به وجود می‌آورند مبنی بر اینکه یک نفر چه طور و چه وقت و با چه کسی رابطه برقرار کند. همین الگوهای مرادده‌ای، تارهای نامرئی توقعات مکملی را تشکیل می‌دهد که نظم دهنده بسیاری از اوضاع و شرایط خانواده است (مینوچین^۲، ۱۹۷۴).

دوره جوانی از زمان‌های بسیار قدیم تا کنون یکی از مهم‌ترین دوران‌های زندگی انسان به شمار می‌رفته و نقش خانواده در این دوران حایز اهمیت است. فقدان عملکرد سالم خانوادگی می‌تواند عامل خطرآفرین اصلی برای زمینه‌سازی اختلالات شخصیتی و تهدیدی جدی برای عزت‌نفس فرزندان باشد. علاوه بر شرایط خانوادگی، شرایط فردی از جمله عزت‌نفس و ویژگیهای شخصیتی هم از جمله عوامل مهم در بروز یا عدم بروز بزهکاری است.

1-Blomer
2-Minuchin

بیان مسأله

امروزه بی تردید یکی از مسائل پیچیده و ناراحت کننده که توجه بسیاری از روان شناسان، جامعه شناسان و جرم شناسان را به خود معطوف داشته، موضوع کودکان و نوجوانان بزهکار^۱ است که روز به روز گسترش بیشتری می یابد، آمارهای منتشره نشان می دهد که علی رغم بهبود وضع زندگی به لحاظ رشد و تحولات فرهنگی و اجتماعی و همچنین توسعه و گسترش مراکز و موسسات خدمات روان شناختی، باز آمار جرایم ارتكابی کودکان و نوجوانان، افسار گسیخته است. عوامل و دلایل احتمالی زیادی بر این پدیده ی ناگوار اجتماعی مترتب است که از جمله ی آنها مسایل مربوط به علل اجتماعی، خانوادگی، و ویژگی های شخصیتی و شناختی خود فرد بزهکار است (شامبیاتی، ۱۳۷۱).

نوجوانی، دوره رفتارهای پرخطر و افزایش اکتشاف است. کمبودهای عاطفی و تربیتی، عوامل اقتصادی، سیاسی، از جمله عوامل مهم در بروز بزهکاری نوجوانان است (جنیفر و پترسون^۲، ۲۰۰۶). در مورد بزهکاری و سبب شناسی آن به مجموعه ای از عوامل زیستی، روان شناختی، اجتماعی و فرهنگی اشاره شده است (استفان و گرمی^۳، ۲۰۰۶). در واقع آنچه می دانیم این است که، خانواده و عدم مراقبت صحیح، تبعیض، نفرت، بدبینی، کمبودهای عاطفی (سادات، ۱۳۸۱)، ویژگی های شخصیتی، عوامل اجتماعی نظیر تراکم جمعیت، محل سکونت، شرایط اجتماعی و تعارضها، صفتهایی که در چهارچوب آن به وقوع می پیوندد (کی نیا، ۱۳۷۳)، با این پدیده، ارتباط نزدیک دارد. خانواده اولین پایه گذار شخصیت، ارزش ها و معیارهای فکری کودک است. کنش های متقابل میان والدین و فرزندان، اساس تحول عاطفی کودک تلقی می گردد و این کنش متقابل در تمام مراحل عمر وی، خود را نشان می دهد.

از جمله مراحل بسیار مهم، دوره نوجوانی است که مرحله استرس آور برای والدین و نوجوان است و تاثیرات والدینی در طی کردن این مرحله و توسعه ی تغییرات نرمال آن بسیار حائز اهمیت است (دریسکول، روسل و کروکتس^۴، ۲۰۰۸). از طرفی خانواده به عنوان کوچکترین واحد اجتماعی اساس تشکیل جامعه و حفظ روابط انسانی را بر عهده دارد. در بین بسیاری از صاحب نظران در این زمینه توافق

1-Delinquent

2-Jennifer & Patterson

3-Stefan & Germe

4-Driscoll, Russell & Crockets

کلی وجود دارد که نوجوانان بزهکار غالباً در معرض آن گونه از روابط اجتماعی قرار دارند که از ویژگی های آن، نبودن رابطه و پیوند نزدیک و صمیمانه بین پدر و فرزند و مادر و فرزند است که به تدریج کیفیت این رابطه در رفتار آنان نسبت به دیگران اثر می گذارد (رایت، دارلین، فیتزپاتریک و کوین^۱، ۲۰۰۶).

نظریه کنترل بزهکاری، بر این فرض مبتنی است که اعمال بزهکارانه هنگامی رخ می دهد که پیوند یا اتصال فرد با جامعه ضعیف یا شکسته می شود. گاتفردون و هیرشی^۲ (۱۹۹۰) معتقد بودند که برای بزهکار شدن فرد، نیازی به عوامل انگیرشی نیست؛ تنها عامل مورد نیاز، فقدان کنترل است که به فرد این آزادی را می دهد که فواید جرم را نسبت به هزینه های آن ارزیابی کند. این دیدگاه مشتمل بر چهار متغیر است: وابستگی، تعهد، درگیر بودن و اعتقاد. مقصود هیرشی از وابستگی، میزان وابستگی فرد به دیگران است.

نخستین وابستگی ها و تعاملات، با والدین است و به دنبال آن وابستگی دوستان، معلمان، رهبران مذهبی و سایر اعضای جامعه بروز می کند. هیرشی معتقد است هنگامی که فرد درگیر فعالیت های متعارف باشد، فرصت گرایش به سوی رفتار انحراف آمیز را از دست می دهد. تصور گاتفردون و هیرشی، بر این است که پایین بودن کنترل خود، می تواند مبین استعداد فرد برای ارتکاب یا عدم ارتکاب جرایم باشد. هم چنین بالا بودن کنترل خود، مبین احتمال انطباق فرد با هنجارهای اجتماعی و قوانین است. در نظریه کنترل خود، کودکانی که مشکلات رفتاری دارند، معمولاً به بزهکاران نوجوان، و در نهایت به بزرگسالان مجرم تبدیل می شوند. به عبارت دیگر، این نظریه، بیانگر آن است که تربیت والدین، مهم ترین عامل تعیین کننده ی سطح خود کنترلی است. فقدان کنترل خود و نقش خانواده در عدم تکامل آن، بدان معنا نیست که فرد حتماً انحراف پیدا خواهد کرد، بلکه، این امر شرایطی را به وجود می آورد که زمینه را برای بزهکاری مساعد می کند (پولاکوسکی و میشل^۳، ۱۹۹۴). در خانواده هایی که اغلب نسبت به گفت و شنودها متعهد نیستند و ارزش کمی برای ارتباطات یا نگهداری و حمایت از واحد خانواده قائل هستند. میزان تعاملات بین اعضای خانواده کم است و بر خلاف خانواده های کثرت گرا، والدین به تصمیمات فرزندانشان و برقراری ارتباط و محاوره با آنان علاقه ای نشان نمی دهند. مطالعات فراوانی نشان می دهد که مشکلات رفتاری و انحرافات افراد بیشتر ریشه در خانه هایشان دارد و عملکردهای بد خانوادگی به وسیله ی طلاق، مرگ والدین یا

1-Wright, Darlene, Fitzpatrick & Kevin

2- Gottfredon & Hirschi

3-Polakowski & Michael

مشکلات دیگر نوجوانان را به سوی مشارکت در رفتارهای پرخطر سوق دهد (آکروود^۱، ۲۰۱۰). از طرف دیگر، اعضای خانواده هایی که گفت و شنود و همنوایی را در الگوهای ارتباط خانوادگی شناسایی کردند و خودانگیزخته با یکدیگر تعامل دارند، اعضا را وادار به یکسان نمودن نگرش ها، ارزش ها و باورها می کند و بر حرف شنوی از پدر و مادر و دیگر بزرگسالان استوار است (فیتزپاتریک^۲، ۲۰۰۴). اتادا^۳ (۲۰۰۱) گزارش کرد که ارتباط بین والدین و نوجوان زمانی که گرم هست، یک محیط سالم برای توسعه و پیشرفت نوجوان خلق می شود و نوجوانان بلوغ کامل را در خانواده های با احساس و پذیرش نشان می دهند (به نقل از آکروود^۴، ۲۰۱۰). بنابراین محیط خانواده بیش از محیط های دیگر در رشد و تکامل فرد تاثیر دارد و از طریق رفتارها و روابط با والدین به راه و رسم زندگی آشنا می شود و درس مهر و قهر، محبت و خشونت، سازگاری و ناسازگاری، تعاون و تنازع، وظیفه شناسی و فرار از مسئولیت را فرا می گیرد (قائمی، ۱۳۶۴). عامل دیگری که مورد توجه محققان در زمینه ی بزهکاری قرار گرفته است، وضعیت اجتماعی- اقتصادی خانواده است. وضعیت اجتماعی- اقتصادی شامل سطح سواد، نوع اشتغال، درآمد، تحصیلات والدین، محل سکونت و تعداد افراد خانواده می باشد (آیلینگ ورث^۵، ۱۹۸۶). محققانی که در شهر گرونوبل فرانسه در باره مسکن، محله، شهر و ناسازگاری نوجوانان همان شهر به مطالعه پرداختند، به این نتیجه رسیدند که اغلب آنان را باید در محله هایی از خانه های محقر و ناسالم تشکیل شده و کوی کارگری مشاهده کرد. همچنین محیط های خانوادگی از نظر اخلاقی در سطح پست قرار داشتند و از سوی دیگر سطح فرهنگی در آن جا خیلی پایین تر بوده است (کی نیا، ۱۳۷۴).

یکی دیگر از زمینه های رایج در مطالعه رفتار بزهکارانه، سنجش رابطه میان بزهکاری و ویژگی های شخصیتی است (برای مثال ریشتر^۶ و همکاران ۲۰۰۲، دادرمن^۷ و همکاران ۲۰۰۴، توشیاکی ناکامورا^۸ ۲۰۰۵). براساس مطالعات یاد شده، رفتار بزهکارانه تحت تأثیر برخی صفات شخصیتی و یا مجموعه ای از این صفات قرار دارد. برای مثال آیزنک در سال ۱۹۷۷ نشان داد که رفتار بزهکارانه با نمره بالا در

1-Okrodu

2-Fitzpatrik

3- Etada

4-Akrodo

5-Ilingworth

6-Rishter & et al

7-Daderman & et al

8-Toshiaki Nakamora & et al

صفات برونگرایی، روان رنجورخویی و روان پریش - خویی مرتبط است. همچنین او اشاره کرده است که افراد بزهکار گرایش زیادی به هیجان خواهی داشته، اما توانایی یادگیری براساس شکست هایشان را ندارند (دونلان^۱ و همکاران، ۲۰۰۲).

بخش عمده ای از تحقیقات در مورد بررسی علل بزهکاری به تئوری صفات آیزنک گرایش داشته که مبتنی براساس بیولوژیک، برانگیختگی کورتیکال، می باشد و شامل سه بعد شخصیتی برونگرایی، روان رنجورخویی و روانپریش گرایبی است. فرض آیزنک براین بود که تفاوت های فردی در سطوح بهینه تحریک و برانگیختگی کورتیکال در شکل گیری راهبردهای مختلف نقش دارد. افراد برونگرا در شرایطی که تحریک وجود ندارد گرایش به تحریک داشته و بنابراین فعال تر شده و برای دستیابی به سطوح برانگیختگی بالاتر، محرک بیشتری را جستجو می کنند. اما افرادی که نمره بالایی در مقیاس روان رنجورخویی می گیرند، با هیجان شدیدی به موقعیت ها پاسخ داده که این واکنش به طور طبیعی نباید دارای چنین شدتی باشد. همچنین آیزنک روان پریش خویی را با وجود آندروژن ها مرتبط می داند. تاکنون پژوهش های زیادی در مورد فرضیه آیزنک صورت گرفته است که نتایج آنها نشان دهنده تأیید بیشتر تئوری آیزنک از شخصیت نسبت به سایر نظریه هاست (دادرمن، ۱۹۹۹).

عامل دیگری که توجه پژوهشگران در زمینه بزهکاری را به خود جلب کرده است، عزت نفس افراد است. عزت نفس قضاوت شخصی و خودارزشمندی که شخص درباره خودش دارد (کوپراسمیت،^۲ ۱۹۶۷). روزنبرگ^۳ عزت نفس را شامل دو مؤلفه می داند:

۱- احساس خودارزشمندی مبتنی بر ارزیابی خویشتن؛

۲- احساس کارآمدی مبتنی بر مشاهده آثار کارهای فرد.

مطالعات مختلف نشان داده است که حدود یک سوم نوجوانان عزت نفس کمی دارند (برانفیلد،^۴ ۲۰۰۵). این عزت نفس کم می تواند موقتی باشد؛ اما در موارد جدی و شدید سبب افسردگی، بی اشتهایی عصبی، بزهکاری و حتی خودکشی می شود. عزت نفس با عملکرد تحصیلی و بزهکاری رابطه نزدیکی دارد.

1-Donlan & et al

2- Cooper-Smith

3- Rosenberg

4- Brownfield

ابعاد مختلف عزت نفس کلی پایین با رفتارهای انحرافی و بزهکار همبستگی بالایی دارد. با توجه به اوضاع محیطی ممکن است عزت نفس پایین سبب انحراف و بزهکاری شود. نوجوانانی که تحقیر می‌شوند یا شکست می‌خورند، برای افزایش میزان عزت نفس خودشان ممکن است رفتارهای بزهکارانه انجام دهند. همچنین وقتی نوجوانان ارزش‌های گروه مرجع انحرافی را مثبت بپندارند، احتمال انجام دادن اعمال انحرافی بیش تر خواهد بود. جانسون (۱۹۹۷) مشخص کرد که نوجوانان بزهکار نه تنها عزت نفس پایین دارند، بلکه از نظر اضطراب نیز نمره بالایی دارند (ماهر،^۱ ۲۰۰۸). کلی^۲ (۱۹۹۸) دریافت که رابطه مثبتی بین افزایش عزت نفس و کاهش بزهکاری مجدد در نوجوانان وجود دارد. با توجه به نظریات مطرح شده و مطالعات انجام شده، از آنجا که تا کنون متغیرهای فرایند و محتوای خانواده، ویژگیهای شخصیتی و عزت نفس به طور مشترک و همزمان مورد توجه قرار نگرفته و از طرفی با توجه به اینکه مدل پنج عاملی در ارزیابی شخصیت یکی از رویکردهای مسلط در حیطه شخصیت می باشد که نقش آن در پدیده بزهکاری کمتر مورد توجه قرار گرفته محقق را بر آن شد تا نقش همزمان این سه متغیر را مورد بررسی قرار دهد. با توجه به مطالب مطرح شده سؤال اصلی پژوهش این است که آیا تفاوت معناداری بین فرایند و محتوای خانواده، ویژگیهای شخصیتی و عزت نفس نوجوانان بزهکار و عادی وجود دارد؟

اهمیت و ضرورت پژوهش

دوره نوجوانی یکی از مراحل بسیار حساس، بحرانی و مسئله آفرین در فرایند رشد انسان است. تلاش برای ابراز وجود و یافتن هویتی مستقل، ناکافی بودن تجارب و محدودیت آگاهی، موجب می‌شوند تا نوجوانی که در حال دگرگونی عمیق شخصیتی است، به مشکلات شناخته و ناشناخته خویش، واکنشهای گوناگونی نشان دهد. یکی از این واکنشها، بزهکاری است. شاید بتوان گفت که بزهکاری، راه حلی است که نوجوان، آن را به عنوان اعتراض علیه وضعیت موجود و آینده غیر قابل قبول و ملال انگیز خویش، به کار می برد. شدت رفتارهای بزهکارانه نوجوان، ممکن است به حدی باشد که در فعالیت های روزمره و

1- Maher

2- Kelly

مهارت‌های سازگاران‌ه او، تداخل ایجاد کرده و نقش تخریبی عمده ای در عملکرد اجتماعی، تحصیلی و شغلی او داشته باشد.

فرد نوجوان متناسب با تحولات فیزیولوژیکی، رفتاری، روانی و ادراکی که در خود احساس می کند، تعامل متفاوت تری با محیط و دنیای پیرامون خود برقرار کرده و لذا به مسائل و مشکلات پیرامون خود، پاسخ ها و واکنش های گوناگونی می دهد که ممکن است هنجارمدار یا ضدهنجاری تلقی شوند. با التفات به اینکه همواره محتمل است که شکل صریح پاسخ های ضد بهنجاری در کالبد فرایند بزهکاری خودنمایی کند، لازم است با اتخاذ اصول راهبردی پیشگیرانه و ترمیم مدار، تا حد امکان، دنیای پیرامون افراد نوجوان را مصون از تنش نگه داشته و سعی نموده که به محض بروز رفتارهای بزهکارانه که به نوعی می تواند پاسخ اعتراض گونه‌ی نوجوانان به وضع موجود باشد، با واکاوی علل و چرایی فرایند بزهکاری از تشدید رفتارهای بزهکارانه و آثار مخرب آن جلوگیری به عمل آورد (استارک، ۱۹۹۶). بروز و ارتکاب رفتارهای بزهکارانه از سوی نوجوانان در فعالیتهای و ابعاد گوناگون زندگی ایشان، اعم از اجتماعی، تحصیلی، شغلی، روحی و روانی و ... اخلال ایجاد می کند، بیش از پیش اهمیت این حقیقت به ذهن تداعی می گردد که شناخت اوصاف و ویژگی های خانوادگی، شخصیتی و عزت نفس گروه نوجوان جامعه می تواند به نحو آشکاری به برقراری امنیت و سلامت روانی اجتماعی در فضای زندگی این گروه، در سطح کلان به فضای نظام اجتماعی کمک نماید.

بروز و ارتکاب رفتارهای بزهکارانه از سوی نوجوانان در فعالیتهای و ابعاد گوناگون زندگی ایشان، اعم از اجتماعی، تحصیلی، شغلی، روحی و روانی و ... اخلال ایجاد می کند، بیش از پیش اهمیت این حقیقت به ذهن تداعی می گردد که شناخت اوصاف و ویژگی های شخصیتی و خانوادگی گروه نوجوان جامعه می تواند به نحو آشکاری به برقراری امنیت و سلامت روانی اجتماعی در فضای زندگی این گروه، در سطح کلان به فضای نظام اجتماعی کمک نماید. در پژوهش حاضر سعی شده است با بررسی مقایسه ای تطبیقی ویژگی های خانوادگی، شخصیتی و عزت نفس پسران نوجوان بزهکار با پسران نوجوان غیر بزهکار، ابعاد مختلف ویژگی های فوق به نحو صریح و شفاف تبیین شود. به طوری که نتایج پژوهش حاضر می تواند به سهولت در پیش بینی و تعیین جرم شناسی آنان در آینده کمک نماید. علاوه بر آن می توان به پیشگیری و جلوگیری از بروز مشکلات و صرفه جویی در وقت و هزینه اشاره نمود.